

کاش من هم یک درخت بودم

یک داییی دارم که از قدیم، از وقتی بچه بودم، همیشه دلم می خواست بروم خانه‌شان بمانم و همیشه هم مامان گیر می‌داد که نمی‌شود. اصولا دلیلی نداشت ماشب جاییی غیر از خانه خودمان بمانیم، حتی اگر آنجا خانه دایی‌مان می‌بود، ولی من

دلم می‌خواست بروم آنجا بمانم، حتی گاهی دلم می‌خواست بروم بچه‌ان‌ها بشوم. آدم وقتی بچه است، هیچ خودسانسوری‌ای ندارد. به هر امکانی فکر می‌کند؛ چون عقل، کم دارد و رؤیا، زیاد و رؤیا هم که

پایدونباید سرش نمی‌شود. خانه داییی‌ام بزرگ بود. نبود. پرده‌های خوشگل داشت که با روبان، مثل توی قصه‌ها، به‌دو طرف دالبر شده بودند. تلویزیونشان رنگی و بزرگ بود. مال ما سیاه‌وسفیدی و کوچک بود. فقط دو تا بچه داشتند، بازمهم

مثل توی قصه‌ها. ما پنج‌تا بودیم. بعدتر شدیم شش‌تا. این موقع‌ها من دیگر کنکوری بودم. باید بگویم در س می‌خواندم و خانه ما شلوغ بود. فقط دو تا بچه آمد بود.

مامان به این نتیجه رسید که «برای اینکه درس من لطمه نخورد»، یک ماه قبل از کنکور با بروم خانه داییی‌ام بمانم. بالاخره به آرزویم رسیده بودم. آن سال کنکور قبول شدم اما دیگر برای همیشه این هوا از سرم افتاد که خانه داییی‌ام بمانم یا بچه‌ان‌ها شوم. آنجا که بودم، فهمیدم چرا در خانه داییی‌ام همیشه همه چیز سر جای خودش است. همه چیز از تمیزی برق می‌زند، شام و ناهار سر وقت با بهترین کیفیت سرو می‌شود و کسی سر غذا حرف نمی‌زند. فهمیدم چرا شلواری‌های دایی‌ام خط اتویی دارد که می‌شود خربزه‌های عالم را باهاشان قاچ کرد و فهمیدم که کلاه کپ‌های فاستونی چهار خانه‌اش برای این تعدادشان پنج‌تاست که یک وقت مجبور نباشد با کت و شلوار کرم، کلاه طوسی تیره بپوشد یا بالعکس و فهمیدم چطور رمان خواندن مرا وسط تست زدن‌های کنکور، انگار بو کشیده باشد، به سرعت برق و باد فهمیده‌است؛ چون دایی‌ام همیشه حواسش به همه چیز بود. چون همیشه نگران خوب پیش



حبیبه‌جعفریان

نویسنده و روزنامه‌نگار

رفتن همه چیز بود. چون اهل کنترل بود، کیفیت و کمیت هردو. همیشه به همه مراحل پخت‌وپز در آشپز خانه نظارت می‌کرد. چون موجودی کمال‌گرا و وسواسی بود و هست که سخت می‌گیرد. هم به خودش، هم به دیگران و بعدها که خودم سنی ازم

گذشت و به قول مامان افتادم توی زندگی، دیدم که چقدر خودم همین زن را دارم و چقدر کنترل می‌کنم و چقدر سخت می‌گیرم و چقدر در عذابم از این حال خودم، زیرا «سخت می‌گیرد جهان بر مردمان

سخت کوش».

عید نوروز یک سالی بود. رفته بودیم خانه همین داییی‌ام عیددیدنی. من داشتم سعی می‌کردم ضمن صحبت، چایم را با ظرافت تمام طوری بنوشم که هورت نکشیده باشم یک وقت و گلویم مثل چاله

آب انبار صدا ندهد -چیزهایی که می‌دانستم داییی‌ام پنهان حساس است- که ناگهان داییی‌ام گفت: «یک یادداشتی ارت توی مجله خنوم دایی‌جون! نوشته بودی همیشه دلت می‌خواسته یک درخت می‌بودی.» دروغ چرا؟ دست‌ودلم

لرزيد و واقعا هیچ ایده‌ای نداشتم. دایی‌ام در باره آن یادداشت چه فکری ممکن است با خودش کرده باشد. او آخرین نفر در دنیا بود که فکر می‌کردم ممکن است آن یادداشت را بخواند. نوشته بودم همیشه دلم می‌خواسته یک درخت

باشم و اگر این‌طور می‌شد، تحمل را یاد می‌گرفتم و سکوت و سکون را. به‌جای مدام له‌له زدن‌ها و بی‌قراری کشیدن‌ها و دل‌ولپس بودن‌ها. دایی‌ام همان‌طور که زل زده بود به جایی در گل‌های پرده‌های خانه‌اش که هنوز همان‌طور برق می‌زدند. از

وقتی و ترتیب -چشم‌هایش حتی وقتی خیره می‌شد، باز انگار داشت دوده می‌زد. همیشه همین‌طور بود- گفت: «منم همین‌طور. منم دلم می‌خواست درخت می‌بودم». دلم می‌خواست بروم بغلش کنم. سفت! ولی نرفتم. نشان دادن احساسات، سختم است. او هم سختش بود و... سخت می‌گیرد جهان بر مردمان سخت کوش.

تاریخ‌نگار

عزل امیرکبیر از امیرنظامی



رضا سلیمان نوری

داستان زندگی **امیرکبیر** از آن موضوعات تاریخی است که به‌عمد یا سهو به‌هنگام نقل آن از زبان اهل تاریخ و سیاست، اشتباهاتی چند در آن رخ داده‌است؛ اشتباهاتی که شاید مهم‌ترین آن‌ها، ماجرای **عزل امیرکبیر** از تمامی مناصب حکومتی باشد؛ امری که بر خلاف تصور همگان نه‌در روز ۲۰ آبان ۱۲۳۰ شمسی که فرمان عزل معروف ناصرالدین‌شاهی‌صاحب‌شده، بلکه در تاریخ ۲۸ آبان ۱۲۳۰ رخ داد. ماجرا هم از این قرار بود که شاه قاجار در

۲۰ آبان ۱۲۳۰ دست‌خطی را براساس القانات فکری مادرش مهدعلیا وهم‌فکران اوبه این مضمون، خطاب به امیرکبیر صادر کرد: «چون صدارت عظمی ووزارت کبری، زحمت زیاد دارد و تحمل این مشقت برای شما دشوار است، شما را از آن کار معاف کردیم. باید به کمال اطمینان مشغول امارت نظام باشید»، دست‌خطی که تنها نشان دهنده کنار گذاشتن امیرکبیر از صدارت عظمی است، نه برکناری وی از همه کارهای دولتی؛ چون در آن، چهارمین تاجدار قاجار تأکید کرده بود که امیرکبیر از این به‌بعد تمام هم‌وغم خود را به بهبودنظام اختصاص دهد و به‌معنای واضح‌تر، شاه از نخست‌وزیر سابقش خواسته‌بود که تمام کارهای خود را وا نهد و به بازسازی ارتش ناصری بپردازد. البته شاه قاجار بعد از عزل امیرکبیر در معذوریت عاطفی قرار گرفت و ۲۴ آبان، نامه‌ای به امیرکبیر نوشت و در آن تأکید کرد که خودش تنها قصد دارد برای مدتی عهده‌دار امور کشور شود و هرگز در امور لشکری قصد دخالت ندارد و نیز حتی یک‌شاهی بیش از آنچه امیرکبیر مقرر داشته‌است، به‌موجب کسی نخواهد افزود. امیرکبیر پس از دریافت این نامه، از شاه در خواست ملاقات کرد تا شاید تصمیم او را تغییر دهد، اما شاه ملاقات را به فردای آن روز که روز انتصاب نوری بود، موکول کرد. امیرکبیر دل از زده از عزلش در مراسم سلام‌شاهانه شرکت نکرد و این امر موجب فوران احساسات شاه و تحریک سوءظن او شد. پس از آن از امیرکبیر خواسته شد که التزامنامه‌ای شامل ۱۲ بند را امضا کند که در آن قید شده بود از باقی ماندن در مقام امیرنظامی، شکرگزار شاه است. یک روز پس از انتصاب میرزا آقاخان نوری به صدارت، وی دست‌خطی نوشت و در آن از امیرال‌تزام گرفت که در کارهای مربوط به وزارت و عزل و نصب، دخالتی نداشته باشد. این دست‌خط به تأیید شاه و امضای امیر رسید. روز پس از واقعه امیر طی نامه‌ای به شاه، وضعیت امور لشکری را گزارش داد و از شروع انتصابات افرادی سرپایا با رشوه به شاه گله کرد. همین گله‌گذاری باعث شد که میرزا آقاخان ومهدعلیا که احتمال بازگشت مجددشاه به امیرکبیر را می‌دادند، با همکاری و مشاوره با جاستین شیل، وزیر مختار انگلیس، تلاش کنند که امیرکبیر را به پذیرش حکومت کاشان راضی کنند؛ ماجرای که باعث شد پرنس دالگورکی، وزیر مختار روسیه که از به قدرت رسیدن میرزا آقاخان هوادار انگلیس‌نگران بود، با عده‌ای از افراد سفارت به‌خانه امیرکبیر برود و به او پیشنهاد کند خود را تحت‌الحمایه روسیه قرار دهد. درخواستی که هر چند امیرکبیر آن را نپذیرفت، بهانه‌ای به دست مخالفان وی داد تا شاه را از وی خشمگین وترسان کنند، تاجایی که ابتدا دستور محاصره خانه امیرکبیر را داد و فردای آن روز یعنی ۲۸ آبان، وی را از امیرنظامی عزل کرد و روز بعد هم تحت‌الحفظ و همراه با مادر و همسر و فرزندانش، راهی قین کاشان کرد.

حدیث روز

راستگویی زیبایی انسان و ستون بنای ایمان است.

(امام علی‌ع)

۷۹٪ رطوبت هوا

۴°↓ ۶°↑

ظهر ۵°

صبح ۱°

عصر ۵°

شب ۲°-

اذان ظهر ۱۱:۱۷

غروب آفتاب ۱۶:۲۰

اذان مغرب ۱۶:۴۰

اذان صبح فردا ۴:۴۵

طلوع آفتاب فردا ۶:۱۳

نیمه شب شرعی ۲۲:۳۳

علمی

فضانوردان با عروسک به فضا رفتند



دوشنبه هفته گذشته و دوشنبه هفته جاری، خبرهایی امیدوارکننده درباره مؤثر بودن واکسن «ویروس کرونا» از دو شرکت «مدرنا» و «فایزر» شنیدیم. اثربخشی واکسن کرونا ی شرکت «مدرنا» بیش از ۹۴ درصد و اثربخشی واکسن کرونا ی شرکت فایزر، ۹۰ درصد اعلام شده است، اما یکی از مسائل مهمی که این دو واکسن را از هم متفاوت می‌سازد، نحوه نگهداری آن‌هاست، زیرا شرکت فایزر اعلام کرده است واکسن آن‌ها باید در دمای منفی ۷۰ درجه سانتی‌گراد نگهداری شود اما شرکت مدرنا اعلام کرده است واکسن آن‌ها برای نگهداری به چنین دمایی نیاز ندارد.

سلامت

«دما»؛ سد پیش‌روی واکسن کرونا



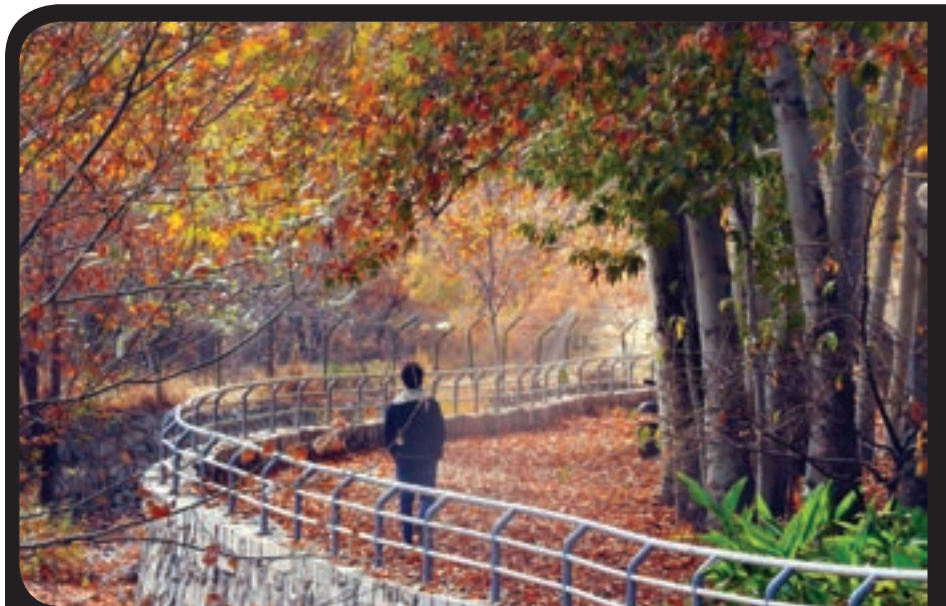
دوشنبه هفته گذشته و دوشنبه هفته جاری، خبرهایی امیدوارکننده درباره مؤثر بودن واکسن «ویروس کرونا» از دو شرکت «مدرنا» و «فایزر» شنیدیم. اثربخشی واکسن کرونا ی شرکت «مدرنا» بیش از ۹۴ درصد و اثربخشی واکسن کرونا ی شرکت فایزر، ۹۰ درصد اعلام شده است، اما یکی از مسائل مهمی که این دو واکسن را از هم متفاوت می‌سازد، نحوه نگهداری آن‌هاست، زیرا شرکت فایزر اعلام کرده است واکسن آن‌ها باید در دمای منفی ۷۰ درجه سانتی‌گراد نگهداری شود اما شرکت مدرنا اعلام کرده است واکسن آن‌ها برای نگهداری به چنین دمایی نیاز ندارد.

هنری

بازگشت وروجک



حمید محمدیان | دیروز صدمین سال تولد الیس کاوت، سازنده وروجک مورمز بود که یکی از شخصیت‌های کارتون‌ی خاطره انگیز برای دهه شصتی‌ها به حساب می‌آید. کانال کودک «کیکا» در شبکه‌های ZDF وARD در آلمان برای گرامیداشت صدمین سال تولد الیس کاوت که در دسامبر ۲۰۱۵ درگذشت، این مجموعه را پخش کرد. از ماه می این مجموعه در ۵۲ قسمت دوباره توسط تلویزیون BR آلمان ترمیم و بازسازی دیجیتال می‌شود و طرفداران وروجک می‌توانند به دیدن قسمت‌های جدید امیدوار باشند زیرا صاحب امتیاز، طراح و تصویرگر آن در حال برنامه‌ریزی برای ساخت یک مجموعه تلویزیونی جدید به نام «استاد نجار ویک وروجک» هستند.



طبیعت پاییزی پارک وکیل آباد مشهد

عکس: نیما نجف‌زاده | فوتوشهر

عکس روز

عکس: نیما نجف‌زاده | فوتوشهر

جامه به خوناب



جامه به خوناب

نوشته رضا جولایی

نشر جویا

قیمت ۲۰۰۰۰ تومان

روزنامه شهر امید وزندگی

۲۸۰۸۹۹ صفحه ۱۲صفحه ۴+صفحه ۳۶ صفحه ۱۶+صفحه شهرارامطه شماره ۱۳۶۵۲ ۱۰۰۰تومان

میتوان نامه اخلاق حرفه‌ای

Photoshahr.ir



فضانوردان با عروسک به فضا رفتند



فضانوردان همراه با عروسک خود به ایستگاه فضایی بین‌المللی رسیدند کیسول کرو در اگون ساعت ۱۱ شب دوشنبه به وقت منطقه زمانی شرقی (۷:۳۰ امروز به وقت تهران) به ایستگاه فضایی بین‌المللی متصل شد. چهار فضانورد در این مأموریت، عروسیک موسوم به «بیبی‌یودا» را با خودشان برده بودند. یک شخصیت عروسیکی کودک که داستان آن در دنیای جنگ ستارگان رخ می‌دهد. آن‌ها از این عروسک به‌عنوان «شاخص گرانش صفر» مأموریت استفاده کردند تا تأییدشود که سفینه فضایی در مدار است و تحت یک محیط ریزگرانش قرار دارد.

دانشنی

ستاره فیلم‌های «ددپول»، باشگاه فوتبال خرید



DEADLINE «رایان رینولدز»، ستاره کانادایی آمریکایی فیلم‌های ابرقهرمانی «ددپول»، امتیاز یکی از باشگاه‌های فوتبال انگلیس را خرید. اودومین بازیگر پردرآمد هالیوود ستاره مجموعه فیلم‌های ابرقهرمانی ددپول، به‌همراه راب مک‌الپنی، از دیگر هنرپیشه‌های معروف آمریکایی، امتیاز تیم فوتبال رکسهام را خرید و مالکیت این باشگاه انگلیسی را برعهده گرفت. تیم رکسهام یکی از باشگاه‌های قدیمی فوتبال در انگلیس است که در سال ۱۸۶۴ میلادی تأسیس شد و هم‌اینک در لیگ دسته پنجم فوتبال این کشور حضور دارد. از جمله دستاوردهای این تیم، می‌توان به کسب پیروزی مقابل آرسنال در رقابت‌های جام حذفی انگلیس در سال ۱۹۹۲ اشاره کرد.

- روزنامه فرهنگ‌ی - اجتماعی - اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا، نیش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۵ - ۱۱۸۸۸۸۳۷۲۲
- نمابر: ۳۷۲۲۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۴۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان



کاهش ۱۴ درصدی مرگ‌های ترافیکی در دوران کرونا



مهدی عزیزی

طهارت ذهن؛ نیاز زندگی امروز

غلامرضا بنی اسدی

خیاطی می‌گفت: «اگر شب‌ها جیب لباس هایتان را خالی کنید، لباس‌ها زیباتر می‌مانند و بیشتر عمر می‌کنند.» بنده خدایی می‌گفت: «امتحان کردم، دیدم درست است و از آن به بعد هرشب، جیب‌هایم را خالی می‌کنم. هم لباسم شیک‌تر و به‌قاعده‌تر می‌ماند و هم خیلی چیزها یادم می‌آید که پیش‌ترها، فراموشی از یادم می‌برد.» با این گزاره‌ای که خواندم، یاد این نکته افتادم که خالی کردن ذهن هم می‌تواند نتیجه‌ای چنین و حتی بهتر از این داشته باشد؛ چون همه ما در طول روز مجموعه‌ای از آزدگی، پشیمانی، اضطراب، استرس و خاطرات ناخوشایند را جمع می‌کنیم. انباشته شدن این ناخوشی‌ها، نه تنها ذهن را سنگین می‌کند که باعث بدقوارگی و فرسایش روح و روان آدمی می‌شود. اگر همان قدر که خیاط به لباس دوخته‌شده تعصب و آگاهی دارد، ما هم به خویشستن و ذهن و روح خود اهمیت می‌دهیم، باید بکوشیم تا ذهنمان را پاک کنیم. قطعاً با پاک‌سازی ذهن، خواهیم توانست دنیای زیبایی بسازیم. این فرایند را هم تاکتیک نپنداریم، بلکه به‌عنوان راهبرد زندگی مدنظر داشته باشیم و هر روز خود را در نقطه صفر و سفید قرار دهیم، بدون آنکه ناخوشی‌های رخ داده بتواند ما را با خود ببرد. اگر نتوانیم چنین کنیم، اگر جیب‌های ذهنمان انباشته از ناخوشی‌ها و دلسرپی‌ها و استرس‌ها باشد، جایی برای آرامش و راحتی خیال نخواهد ماند. چیزی که امروز در ازدحام مصائب کرونا و گرانی و شیوع و ویروس‌ها بدان نیاز داریم، این است که به خودمان احترام بگذاریم و نوبه‌نو ذهن خود را پاکیزه‌سازی کنیم. طهارت روح، جسم را هم به سلامتی راه می‌نماید.

زین‌قندی

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

بخش یکم

پرسش

باسلام و احترام.

لطفا درباره کاربرد نقطه ویرگول؛ کمی توضیح دهید.

پاسخ

نشانه نقطه ویرگول، نشانه مکئی بیشتر از ویرگول و کمتر از نقطه است. موارد استفاده از این نشانه، بسیار اندک است.

۱ - هنگام برشمردن و جدا کردن اجزای مختلف وابسته به یک حکم کلی به شکل فهرست، دسته‌بندی و شماره‌بندی یا بدون شماره و پشت سر هم:

☞ آثار سعدی عبارت‌اند از:

گلستان؛

بوستان؛

کلیات.

☞ مولوی، جلال الدین محمد بلخی؛ مثنوی معنوی؛ تصحیح ر. الین. نیکلسون؛ چاپ پنجم،

تهران: انتشارات مولی، ۱۳۶۵

از ماست که بر ماست

در مواقعی گفته می‌شود که شخصی، از نزدیکان خود آسیب ببیند.

ضرب‌انشت

